

سفر به گذشته محله دانشجو با لیلا زارعی، از نخستین ساکنان خیابان صدف

پیکان علی آقا، تاکسی وفادار محله بود

ایستگاه
اول

○ مدرسه مصلی نژاد در خیابان آموزگار، اواخر دهه ۵۰ فضای سبز کوچکی بود که چاه آب داشت. روزی دو سه نوبت دبه به دست برای برداشتن آب نوشیدنی به آن پارک محلی می رفتیم. معمولاً غروب ها زیراندازی هم می آوردیم و یک ساعتی در پارک دورهمی داشتیم.

فاطمه سیرجانی یکی از قدیمی ترین ساکنان خیابان صدف است؛ شاید جزو معدود آدم هایی که حال یادش می آید یک زمانی به فضای اطراف محل سکونتش می گفتند «منظریه»! لیلا زارعی اواخر دهه ۵۰ همراه خانواده از سنگ بست فریمان به مشهد آمد. حوالی سال ۵۸ قطعه زمینی را در محدوده ای که به آن منظریه می گفتند و خیابان فعلی صدف است، خریدند و کم کم اینجا ساکن شدند تا لیلا زارعی جزو اولین ساکنان محله دانشجو باشد.

وقتی با او در کوچه های صدف و منظریه هم قدم می شویم. خاطرات مختلفی را برای ماتعریف می کند که یک سرهمه آن ها می رسد به روزگاری که فضای این محدوده، بیابانی بیش نبود.

ایستگاه
دوم

○ این پیکان دهه ۵۰ متعلق به همسر مرحوم علی آقا سلیم است. این ماشین تاکسی تلفنی محله بود. هرکسی از شهر خرید داشت یا می خواست به مجلس عروسی و میهمانی برود، به سراغ علی آقا و پیکانش می آمد. معمولاً در هفته چند بار همراه پنج شش تا از زنان همسایه با این ماشین برای خرید مایحتاج به میدان شهدا می رفتیم.

ایستگاه
سومایستگاه
چهارم

○ مهناز خانم از همسایه های قدیمی ماست. او چند سال بعد از ما به این کوچه آمد. چون خانه هایمان به هم نزدیک بود، خیلی زود مثل دو خواهر صمیمی شدیم. خاطرم هست یک سال که بیمار شده بودم و باید عمل می کردم، همین که فهمید، خودش را به بیمارستان رساند و تا یکی دو روز از من مراقبت می کرد. بعد آن، دوستی و رفاقتمان پررنگ تر شد.

ایستگاه
پنجم

○ بعضی روزها در دهه ۵۰ در پیچه های سد گلستان را باز می کردند و آب در جوی راسته بولوار وکیل آباد راه می افتاد. این روزها همسایه ها یکدیگر را خبر می کردند و رخت و لباس و ملحفه و پتویه دوش به سمت جوی آب می رفتیم. در برگشت، چون پتو و ملحفه ها خیس و سنگین می شد، آن ها را روی سنگی می گذاشتیم تا مردها بیایند و وسایل را ببرند.

ایستگاه
ششم

○ آرزو داشتیم همسایه مسجد باشیم. یک روز صبح همین که در حیاط را باز کردم، دیدم یکی دارد وسط زمین یک پرچم یا حسین (ع) علم می کند. سؤال کردم این پرچم چیست. گفت قرار است کلنگ ساخت مسجد چهارده معصوم (ع) اینجا زده شود. چه سال ها که نزدیک ماه مبارک با همسایه ها روی پشت بام مسجد بساط فرش شویی داشتیم و مسجد تکانی.

○ زمین دیوار کشی شده خیابان صدف ۱۱، بخشی از ملک مسجد بود که می گفتند متعلق به خیری به نام پارچه باف است. قبل ساخت مسجد، زمین بدون دیواری بود که دهه اول محرم با موکت فرش می شد. استکان و سینی و وسیله از خانه می آوردیم و با هر چه داشتیم، مراسم عزای پامی کردیم.

